


معادل‌یابی تشبیه در ترجمه عربی رمان سمفونی مردگان براساس الگوی پیرینی (۲۰۰۷)

حبیب کشاورز *  استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

چکیده

تشبیه یکی از مهم‌ترین آرایه‌های زبانی است که علاوه بر شعر و نثر ادبی در متون غیرادبی نیز کاربرد فراوان دارد. از این رو، در فرآیند ترجمه، مبحث برگردان تشبیه، یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی مترجمان به‌شمار می‌رود. بیشترین دشواری ترجمه تشبیه به تفاوت‌های فرهنگی موجود در زبان مقصد و مبدأ برمی‌گردد. در این میان، تعیین روش صحیح در ترجمه عباراتی که در آن تشبیه به کار رفته است، می‌تواند دشواری این کار را کمتر کند که این مسئله به مهارت و رویکرد مترجم نیز بستگی دارد. در این مقاله با روش کیفی به بررسی روش‌های به کار گرفته شده در ترجمه تشبیهات موجود در برگردان عربی رمان «سمفونی مردگان» که با عنوان «سمفونیة الموتی» توسط احمد موسی انجام شده، می‌پردازیم و برای این منظور از الگوی پیرینی (۲۰۰۷) استفاده خواهیم کرد. پیرینی، ۶ روش را برای ترجمه تشبیه در یک متن پیشنهاد می‌دهد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که این روش‌ها برای بررسی ترجمه تشبیه، مناسب و قابل اجرا است. احمد موسی در ترجمه سمفونی مردگان، بیشترین استفاده را از روش برگردان تحت‌اللفظی داشته و از سایر روش‌ها کمتر استفاده کرده است. استفاده زیاد از روش ترجمه تحت‌اللفظی، نشان‌دهنده نزدیکی فرهنگی در زبان مبدأ و مقصد و گرایش مترجم به بیگانه‌سازی متن مقصد است. الگوی پیرینی نیاز به تکمیل دارد و راهبردهایی از جمله افزودن ادات تشبیه باید به آن اضافه شود.

واژگان کلیدی: روش‌های ترجمه تشبیه، پیرینی، سمفونی مردگان، عباس معروفی،

احمد موسی.

مقدمه

«تشبیه» یکی از مهم‌ترین فنون بلاغی است که جایگاه بالایی در متون ادبی دارد. یکی از چالش‌هایی که مترجمان در ترجمه آثار ادبی با آن مواجه می‌شوند، چگونگی ترجمه تشبیهات موجود در متن است. انتخاب مشبّه‌به در یک تشبیه به عوامل فرهنگی و زبانی زیادی بستگی دارد که این مسأله، مترجم را در یافتن معادل مناسب برای تشبیه دچار مشکل می‌کند.

از آنجا که در بسیاری از تشبیهات، وجه‌شبه ذکر نمی‌شود، مترجم باید تسلط کافی بر زبان و فرهنگ مبدأ داشته باشد تا بتواند وجه‌شبه را به خوبی تشخیص دهد. همچنین باید تسلط کافی بر زبان و فرهنگ مقصد داشته باشد تا بتواند معادل مناسبی برای مشبّه‌به بیابد. گاهی نیاز است مترجم، مشبّه‌به را به همان شکل که در متن آمده بدون تغییر بیاورد یا نیاز است که مشبّه‌به را کامل تغییر دهد یا چیزی به آن اضافه یا کم کند. تعیین روش مناسب جهت ترجمه، نیازمند مهارت بالای مترجم است. برای مثال، مترجم در ترجمه رمان «سمفونی مردگان» اثر عباس معروفی در عبارت «درست جان‌کندن یک آدم سگ‌جان را می‌مانست» (معروفی، ۱۳۸۸) که در آن ترکیب «سگ‌جان» استفاده شده، آن را به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کرده که این روش برای ترجمه این تشبیه مناسب نبوده است. در فرهنگ و زبان فارسی، سگ به عنوان موجودی شناخته می‌شود که سخت می‌میرد به همین دلیل در تشبیه از عبارت «سگ‌جان» استفاده کرده و مترجم نیز همین ترکیب را به عربی برگردانده است: «کانت تشبه نزع روح انسان کلبی الروح» (معروفی، ۲۰۱۸). با توجه به فرهنگ متفاوت ایران و عرب‌ها، بهتر بود مترجم یا مشبّه‌به را تغییر می‌داد یا توضیحی به آن می‌افزود تا مطلب و چرایی استفاده از این تشبیه برای مخاطبان عرب‌زبان بهتر قابل فهم شود.

این مقاله به منظور معادل‌یابی تشبیه در ترجمه رمان به دنبال شناسایی تشبیهات به کار رفته در رمان «سمفونی مردگان» عباس معروفی و تطبیق آن‌ها با تشبیهات موجود در ترجمه این رمان با هدف تحلیل روش‌های مورد استفاده مترجم براساس الگوی ارائه شده

توسط پیرینی^۱ (۲۰۰۷) است. رمان سمفونی مردگان در سال ۲۰۱۸ توسط احمد موسی، مترجم الجزائری منتشر شده است.

در این پژوهش تلاش داریم به دو سؤال «رویکردهای اثرگذار بر تعیین روش ترجمه تشبیه کدامند؟» و «تفاوت‌های فرهنگی چه تأثیراتی در تعیین روش ترجمه تشبیه دارند؟» پاسخ دهیم.

۱. پیشینه پژوهش

در زمینه روش‌های ترجمه صنایع ادبی به ویژه تشبیه، پژوهش‌هایی انجام شده است که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها خواهیم پرداخت.

کاظمی نجف‌آبادی (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «عدول از تعادل زیباشناختی در ترجمه شهیدی از نهج البلاغه؛ بررسی موردی تشبیه و استعاره» به این نتیجه رسیده است که شهیدی در برگردان آرایه تشبیه و استعاره در نهج البلاغه در مواردی از تغییراتی چون حذف، افزایش و نیز تبدیل و جایگزینی مؤلفه‌های تصویری بهره برده که مغایر با اصل تعادل زیباشناختی است و تصویرپردازی‌های ادبی متن مبدأ را به درستی منتقل نکرده است.

غفارزاده و جلیلی‌مرند (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «ترجمه‌پذیری تعبیر تشبیهی و استعاره در قرآن کریم با تکیه بر ترجمه‌های فرانسوی حمیدالله و کازیمیرسکی»^۲ به این نتیجه رسیده‌اند که دو مترجم از شیوه‌های گوناگون ترجمه در جهت تلاش برای حفظ معانی عظیم قرآن، بیشتر شیوه تحت‌اللفظی را در انتقال دو آرایه به کار برده‌اند تا صورت نیز علاوه بر معنی حفظ شود، اما در مواجهه با آیات دارای عناصری با بار فرهنگی از توضیحات نیز استفاده کرده‌اند.

خمیسی و دهباشی‌شریف (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «بررسی راهبردهای ترجمه استعاره و تشبیه در سه ترجمه فارسی از تراژدی مکبث^۳ اثر شکسپیر»^۴ به بررسی ترجمه تشبیهات به کار رفته در تراژدی مکبث بر اساس الگوی پیرینی پرداخته و به این نتیجه

1- Pierini, P.

2- Kazimirski, A.

3- Macbeth

4- Shakespeare, W.

رسیده‌اند که مترجمان، بیشتر از حفظ مشبّه‌به استفاده کرده‌اند و به اعتقاد پیرینی این راهبرد برای ترجمه متون ادبی، یکی از بهترین راهبردها است.

زمانی و عباس (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ترجمه تشبیه در قرآن کریم» به بررسی ترجمه تشبیه در پنج ترجمه از قرآن کریم پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که مترجمان در ترجمه تشبیهات قرآن کریم به اصل متن مبدأ، وفادار بوده و تغییرات زیادی در آن ایجاد نکرده‌اند.

نورهنزوانی (۲۰۱۴) در مقاله‌ای به زبان انگلیسی با عنوان «The Translation of Simile in the Hunger Games Novel: Translation Strategies» به بررسی راهبردهای ترجمه تشبیه در کتاب (Hunger Games) به زبان مالایی توسط ۴ مترجم براساس الگوی پیرینی پرداخته و به این نتیجه رسیده که مترجمان از راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی، بیشترین استفاده (۴۵ درصد) را کرده‌اند. همچنین مترجمان به دلیل دشواری از راهبرد جایگزین کردن مشبّه‌به استفاده نکرده‌اند.

شمسی‌فرد، فلاحتی‌قدیمی و نعمتی (۲۰۰۷) در مقاله‌ای به زبان انگلیسی با عنوان «Strategies for Translation of Similes in four Different Persian Translations of Hamlet» به بررسی راهبردهای ترجمه تشبیه در هملت براساس الگوی پیرینی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مترجمان در ترجمه تشبیه از راهبردهای یکسانی استفاده کرده‌اند. همچنین از بین راهبردهای ارائه شده، راهبرد ترجمه تحت‌اللفظی بیش از سایر راهبردها استفاده شده و این با هدف حفظ ویژگی‌های متن مبدأ بوده است.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در مطالعات انجام شده، تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی روش‌های ترجمه تشبیه در برگردان رمان سمفونی مردگان از فارسی به عربی پرداخته است. عمده پژوهش‌هایی که در ترجمه تشبیه از عربی به فارسی انجام شده در متون قرآنی صورت گرفته و تاکنون پژوهشی در زمینه ترجمه تشبیه در رمان از عربی به فارسی براساس الگوی پیرینی انجام نشده است.

۲. روش پژوهش

مقاله پیش رو براساس روش تحلیلی - توصیفی و به شیوه تحلیل محتوا انجام گرفته است. در این مقاله ترجمه تشبیهات موجود در رمان سمفونی مردگان اثر عباس معروفی به زبان عربی براساس الگوهای ارائه شده توسط پیرینی (۲۰۰۷) بررسی شده است. برای این

منظور ابتدا ۳۲ تشبیه از کل متن اصلی رمان (متن فارسی آن) استخراج و برابری آن در ترجمه عربی مشخص شد، سپس میزان استفاده از هر روش و دلایل به کارگیری آن در ترجمه این تشبیه‌ها، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

۳. کارکرد تشبیه در رمان سمفونی مردگان

رمان سمفونی مردگان که در سال ۱۳۶۸ منتشر شد، روایتی تلخ از زندگی مملو از سیاهی، مرگ و ناامیدی خانواده «جابر اورخانی» و چهار فرزندش به نام‌های آیدین، آیدا، یوسف و اورهان است که نویسنده آن را در پنج فصل بازگو کرده است.

تشبیه یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصویرسازی ادبی است به همین دلیل ادبا در شعر و نثر از این صنعت بلاغی برای تصویرسازی بهره گرفته‌اند. در رمان سمفونی مردگان نیز تشبیه نقش زیادی در تصویرسازی دارد؛ به ویژه اینکه نویسنده در تصویرسازی توجه زیادی به عناصر فرهنگی موجود در منطقه غرب کشور که حوادث رمان در آن می‌گذرد، دارد. برای مثال، با توجه به سردی هوا در این منطقه، برف و تشبیهاتی که حول محور برف می‌چرخد در این رمان زیاد است. با توجه به گرمی هوا در کشورهای عربی و آشنایی کمتر مخاطبان با برف، این مسأله مترجم را دچار چالش‌های زیادی در ترجمه این گونه تشبیهات کرده است. به عنوان مثال، در ترجمه عبارت «بعد از مرگ آیدا زندگی ما مثل بهمن بزرگی از برف در سرایشی دره مرگ فرو می‌غلتید» (معروفی، ۱۳۸۸) مترجم مشبه‌به را دچار تغییراتی کرده و تصویر غلتیدن بهمن بزرگ از برف را به زبان عربی منتقل نکرده است، بلکه عبارتی مشابه آن به کار برده است و می‌گوید: «وبعد موت آیدا غدت حیاتنا تغوص فی مهاوی الثلوج» (معروفی، ۲۰۱۸). «مهاوی الثلوج» به معنای دره‌های برف است و معنای آن با بهمن متفاوت است. در زبان عربی واژه «تیهور» یا «الانهیار الثلجی» برای «بهمن» وجود دارد، اما نویسنده به دلیل عدم آشنایی مخاطب با این واژه‌ها، آن را به کار نبرده است. «تشبیهات در رمان سمفونی مردگان به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته نخست، تشبیهاتی هستند که هدف اصلی آن‌ها توصیف یک حالت یا منظره یا موقعیت است و نقش عمده‌ای در فضا سازی رمان و تعیین نوع نگاه نویسنده دارند و دسته دوم، تشبیهاتی هستند که بیش از آنکه در پی توصیف باشند،

انتقال‌دهنده عاطفه و حسی هستند که در لایه دوم معنایی آن‌ها حاصل می‌شود» (اسدی و حسینی، ۱۳۹۸).

۴. معادل‌یابی تشبیه

یکی از مباحث مورد توجه در ترجمه، بحث روش‌های برگردان تشبیه است. هر چند تشبیه، یکی از مهم‌ترین آرایه‌های ادبی است، اما پژوهشگران حوزه ترجمه، توجه زیادی به آن نداشته و حتی توجه آن‌ها به استعاره بیش از تشبیه بوده است.

پیرینی (۲۰۰۷) از جمله معدود پژوهشگرانی است که الگویی ویژه برای برگردان تشبیه ارائه کرده است. در این مقاله با توجه به کامل‌تر بودن الگوی پیرینی و اینکه این الگو اختصاص به تشبیه دارد از این الگو برای بررسی ترجمه عربی تشبیهات موجود در رمان سمفونی مردگان استفاده خواهیم کرد. روش‌های ارائه شده توسط پیرینی برای ترجمه تشبیه عبارتند از:

۱- ترجمه تحت‌اللفظی: مترجم در این روش، تمامی ارکان تشبیه را به همان شکل موجود در زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل می‌کند. استفاده از این روش باید کاملاً آگاهانه باشد؛ یعنی مترجم ابتدا باید مشابه و مشابهه را تشخیص دهد، سپس به کشف وجه شبه پردازد و اگر مشابه، مشابهه و وجه شبه در دو زبان، یکی بود، آنگاه می‌تواند از روش ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کند.

در بخشی از رمان سمفونی مردگان، نویسنده از زبان یکی از شخصیت‌های داستان، پدرش را در لاغری و ریزاندامی به «کشمش خشک» تشبیه می‌کند و می‌گوید: «پدر کوچک و ریزه، مثل کشمش خشک مانده بود» (معروفی، ۱۳۸۸). مترجم برای ترجمه این تشبیه نیز از روش ترجمه تحت‌اللفظی استفاده می‌کند و همین تصویر را به زبان عربی منتقل می‌کند و می‌گوید: «كان الأب صغير الهیکل مثل حبة زبيب يابسة» (معروفی، ۲۰۱۸). در این تشبیه، وجه شبه ذکر شده و کار را برای مترجم راحت‌تر کرده است. مترجم نیز همان مشابهه را به زبان عربی برگردانده و وجه شبه را نیز حفظ کرده است. «زبيب» در زبان عربی به معنای «کشمش» است. نکته قابل توجه در ترجمه این تشبیه این است که مترجم به خوبی کلمه «حبة» را به متن عربی افزوده است. در متن فارسی فقط عبارت «کشمش خشک» وجود دارد، اما در زبان عربی کلمه «حبة» به معنای «دانه» اضافه

شده و سه کلمه وجود دارد: «حبة زبيب يابسة». چنین مواردی نشان‌دهنده تسلط بالای مترجم به ظرافت‌های زبان عربی است.

استفاده از کلمه «کشمش» در عبارت بالا توسط نویسنده هدفمند بوده است، چراکه شغل شخصیت‌های اصلی این داستان فروش آجیل است و آن‌ها تقریباً هر روز با «کشمش» سروکار دارند. مترجم نیز به همین دلیل این کلمه را تغییر نداده و از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کرده است.

احمد موسی در ترجمه تشبیهات موجود در رمان سمفونی مردگان در موارد زیادی از این روش، بهره برده است. برای مثال، او در ترجمه جمله «مثل سگ از من می‌ترسد و مثل بره‌ای مطیع فرمان می‌برد» (معروفی، ۱۳۸۸) با بهره‌گیری از این روش می‌گوید: «یخافنی ککلب و یطیع أوامری کحمل و دیع» (معروفی، ۲۰۱۸). در این عبارت، دو تشبیه وجود دارد و هر دو تشبیه به روش ترجمه تحت‌اللفظی به عربی برگردانده شده است و این به دلیل نزدیکی وجه شبه در عربی و فارسی است؛ یعنی سگ (کلب) و بره (حمل) در هر دو زبان فارسی و عربی برای نشان دادن ترس و فرمانبرداری به کار می‌روند. عبارت «حمل و دیع» که مترجم استفاده کرده از عبارات پرکاربرد در زبان عربی است و با مراجعه به متون عربی می‌توان نمونه‌های زیادی از استفاده از این عبارت را یافت، مانند این عبارت «إسرائيل تتظاهر بأنها حمل و دیع، وهي تقصف المدن الفلسطينية» (محمد داود، ۲۰۰۳).

هرگاه فرهنگ دو زبان مبدأ و مقصد به هم نزدیک باشد، استفاده از این روش کاربرد زیادی پیدا می‌کند. به همین دلیل در ترجمه رمان سمفونی مردگان از این روش بیش از سایر روش‌ها استفاده شده است. البته گرایش به آشنایی زدایی متن مقصد یا وفاداری به متن مبدأ نیز می‌تواند از دلایل استفاده از این روش باشد. مترجم در ترجمه عبارت «وقتی عصرها برایش روزنامه می‌برم مثل ماهی روی آب دهانش را باز می‌کند» (معروفی، ۱۳۸۸) تشبیه را به صورت کاملاً تحت‌اللفظی ترجمه می‌کند و می‌گوید: «لما أجلب له الجرائد عصرا يفتح فاه مثل السمكة فوق الماء» (معروفی، ۲۰۱۸). در این ترجمه اگر از ترجمه معکوس استفاده کنیم و تشبیه را مجدداً به فارسی برگردانیم، دقیقاً همان متن فارسی به دست می‌آید.

معروفی در این رمان از تشبیه برای تصویرسازی به میزان زیادی استفاده کرده است. برای مثال در یک صحنه، یکی از شخصیت‌های داستان که در برف فرورفته را به فرورفتن بنای قدیمی قهوه‌خانه در برف تشبیه می‌کند و می‌گوید: «احساس کرد مثل بنای ویران قهوه‌خانه در سنگینی برف وارفته است» (معروفی، ۱۳۸۸). مترجم نیز برای ترجمه این عبارت از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کرده است و می‌گوید: «أحس كأنه غاص في أنقال التليج مثل مبنی المقهى الخرب» (معروفی، ۲۰۱۸). مترجم علاوه بر اینکه در ترجمه این تشبیه از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کرده از همان ادات تشبیه (مثل) که در زبان فارسی به کار رفته نیز استفاده کرده است.

البته باید اذعان کرد که عدم توجه به تفاوت‌های مشبّه به و استفاده زیاد از این روش، مترجم را دچار اشتباه می‌کند و متن نیز در زبان مقصد نامفهوم جلوه می‌کند. احمد موسی به دلیل تسلط ناکافی بر فرهنگ فارسی، گاهی این اشتباهات را مرتکب شده است. برای مثال در ترجمه جمله «نگاهی می‌انداختم به حیاط، درخت‌ها، ساختمان‌های دوردست که در تاریک روشن نیمه‌شب مثل اشباحی شطرنجی به نظر می‌آمدند» (معروفی، ۱۳۸۸)، می‌گوید: «وألقي نظرة إلى باحة البيت والأشجار والبنایات النائية التي كانت تبدو وسط ظلمة منتصف الليل المشرقة كأشباح شطرنجية» (معروفی، ۲۰۱۸). در اینجا روش ترجمه تحت‌اللفظی مناسب نیست، زیرا عبارت «أشباح شطرنجية» در زبان عربی، معمول نیست و به این معنا کاربرد ندارد. ترجمه موسی از این عبارت، مفهوم مبهم و تیره بودن را که در متن اصلی مدنظر است، نمی‌رساند.

۲- جایگزینی مشبّه به با یک مشبّه به دیگر: گاهی وجه‌شبه موجود در زبان مبدأ را که از ارتباط مشبه و مشبّه به حاصل می‌شود، نمی‌توان در زبان مقصد دریافت کرد. در چنین مواقعی مترجم ناچار است با در نظر گرفتن وجه‌شبه، مشبّه به را در زبان مقصد با یک مشبّه به دیگر جایگزین کرده و سعی کند تا همان وجه‌شبه موردنظر را نشان دهد. البته باید در نظر داشت که این روش، منجر به بومی‌سازی در متن مقصد می‌شود و استفاده از آن، بستگی به گرایش مترجم به متن مبدأ یا مقصد دارد. مترجم سمفونی مردگان نیز گاهی از این روش بهره برده است؛ هر چند به دلیل گرایش به بیگانه‌سازی ترجمه، کمتر از این روش استفاده کرده است.

مترجم در ترجمه جمله «خبر مثل باد در شهر پیچید» (معروفی، ۱۳۸۸) مشبهه را تغییر داده است تا بتواند وجه شبه را به مخاطب بفهماند و می گوید: «انتشر الخبر فی المدینة کانتشار النار فی الهشیم» (معروفی، ۲۰۱۸) که ترجمه آن می شود «خبر مانند شعله ور شدن آتش در درخت خشک در شهر پیچید». منتشر شدن آتش در درخت خشک در زبان و فرهنگ عربی، جایگزین مناسبی برای پیچیدن خبر مثل باد است و همان مفهوم را می رساند. اصطلاح «کانتشار النار فی الهشیم» از اصطلاحات پرکاربرد در زبان عربی است و «هشیم» به معنای درخت خشکی است که زود آتش در آن شعله ور می شود (أنیس و دیگران، ۲۰۰۴). با دقت در این مثال می توانیم ارتباط نزدیک فرهنگ و ترجمه را متوجه شویم. مترجم باید در ترجمه خود به این تفاوت های فرهنگی توجه ویژه ای داشته باشد. استفاده از ترجمه تحت اللفظی در این مثال باعث می شود پیام موجود در متن مبدأ به خوبی به زبان مقصد منتقل نشود.

همچنین معروفی از زبان یکی از شخصیت های داستان عبارت زیر را به کار می برد: «مگر من چوب الفم که برای تو شاگردی کنم» (معروفی، ۱۳۸۸)، مشبهه به «چوب الف» در این عبارت برگرفته از فرهنگ فارسی است و ترجمه تحت اللفظی آن مفهوم موردنظر را منتقل نمی کند؛ بنابراین، مترجم در اینجا مشبهه را تغییر داده و به جای آن از کلمه «بیدق» استفاده کرده است: «وهل أنا بیدق حتی تحرکنی کما شئت؟» (معروفی، ۲۰۱۸). «بیدق» در زبان عربی به معنای سرباز در بازی شطرنج است که ضعیف ترین مهره به شمار می رود. این واژه در زبان عربی به ویژه در متون سیاسی در این معنا کاربرد فراوانی دارد. برای مثال، در عبارت «بشار الأسد بیدق فی ید روسیا»، بشار اسد، رئیس جمهور سوریه به سرباز پیاده در دست روسیه تشبیه شده است که اختیاری از خود ندارد.

مترجم در ترجمه تشبیه در جمله «دو خط موازی به شکل مارپیچ به جا گذاشت» (معروفی، ۱۳۸۸) نیز از این روش بهره می برد و مشبه را تا حدودی دچار تغییر می کند. هر چند تغییر در این تشبیه اساسی نیست و به جای کلمه «مارپیچ» از کلمه «ثعبان» به معنای «مار» استفاده می کند و می گوید: «ترکت خلفها خطین متوازیین فی شکل ثعبان» (معروفی، ۲۰۱۸). هدف از این تشبیه، توصیف حرکت جیب شهربانی است و به نظر می رسد در اینجا نیازی به این تغییر در مشبهه نبود و باید معادل بهتری برای کلمه «مارپیچ» استفاده

می‌شد. برای مثال، واژه «حلزونی» در زبان عربی به معنای مارپیچ کاربرد دارد و بهتر بود مترجم از این معادل استفاده می‌کرد.

۳- تقلیل تشبیه به مفهوم: گاهی مترجم نه می‌تواند از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده کند و نه می‌تواند جایگزین مناسبی برای مشبّه‌به بیابد؛ بنابراین، مجبور می‌شود تشبیه را نادیده بگیرد و مفهوم آن را بیان کند. برای مثال، مترجم در ترجمه عبارت «از چشم‌های آنان قندیل‌هایی مثل کریستال کش آمده بود» (معروفی، ۱۳۸۸)، می‌گوید: «تدلّت من أعین جمیعهم قنادیل بلوریه» (معروفی، ۲۰۱۸) که ترجمه آن می‌شود «قندیل‌های بلوری از چشمان همگی آویزان شده بود». مترجم در ترجمه این تشبیه، فقط به ذکر مفهوم آن بسنده کرده و از آنجا که نتوانسته یا نخواسته تشبیه را منتقل کند، فقط به مفهوم آن اشاره کرده است. این روش نباید در ترجمه آثار ادبی زیاد مورد استفاده قرار گیرد، چون زیبایی یک متن ادبی به وجود همین آرایه‌های ادبی است.

همچنین مترجم در ترجمه تشبیه موجود در جمله «برف‌های کهنه سفت شده بود مثل صخره» (معروفی، ۱۳۸۸) تشبیه را نادیده گرفته و به ذکر مفهوم آن بسنده می‌کند. در متن مبدأ، برف سفت به صخره تشبیه شده است، اما مترجم بدون توجه به این تشبیه می‌گوید که برف‌ها به یخ تبدیل شده‌اند: «تجمدت الثلوج القديمة غدت جلیدا» (معروفی، ۲۰۱۸)؛ «جلید» در زبان عربی به معنای یخ بوده و این کلمه در متن مبدأ ذکر نشده است. ترجمه این تشبیه را نیز می‌توان متأثر از مسائل فرهنگی دانست؛ زیرا در کشورهای عربی معمولاً برف نمی‌بارد و مردم در آنجا آشنایی چندانی با برف و سفت شدن آن در زمستان‌های سرد ندارند (یا حداقل در گذشته نداشته‌اند)؛ بنابراین مترجم از کلمه «جلید» استفاده کرده که برای مخاطب عرب قابل فهم است.

۴- حفظ مشبّه‌به به علاوه ذکر و شرح وجه‌شبه: در این حالت، مترجم مشبّه‌به را حفظ می‌کند، اما از آنجا که ممکن است وجه‌شبه برای مخاطب شناخته شده نباشد، اقدام به شرح وجه‌شبه می‌کند. استفاده از این روش به خوبی نشان‌دهنده تفاوت‌های فرهنگی میان زبان مبدأ و زبان مقصد است، زیرا اگر وجه‌شبه برای مخاطبان متن مقصد قابل فهم باشد، نیاز به شرح آن نیست.

مترجم در ترجمه عبارت «صدای زوزه گرگ‌ها مثل زبانه آتش از همه سو تاب می‌خورد» (معروفی، ۱۳۸۸)، می‌گوید: «کان صوت عواء الذئاب صاخبا ینبعث من کل

وجهة مثل السنة اللهب» (معروفی، ۲۰۱۸) که ترجمه آن می‌شود «صدای زوزه گرک‌ها شدید بود و مانند زبانه‌های آتش به این سو و آن سو می‌رفت». مترجم در ترجمه این تشبیه، وجه شبه «صاخبا» را به ترجمه اضافه کرده و مشبیه به «السنة اللهب» را نیز حفظ کرده است. دلیل ذکر وجه شبه در این مثال، این است که مخاطب متن مقصد به دلیل تفاوت‌های فرهنگی نمی‌تواند آن را از مشبیه به «السنة اللهب» بفهمد؛ بنابراین، مترجم به خوبی با ذکر وجه شبه، فهم آن را برای مخاطب آسان‌تر کرده است.

در مورد وجه شبه باید گفت که ذکر آن یا عدم ذکر آن از اهمیت بالایی برخوردار است. به ویژه در ترجمه در صورتی که وجه شبه ذکر نشده باشد، مخاطب باید برای یافتن آن تلاش کند و از اطلاعات خود کمک بگیرد. اگر مخاطب تسلط کافی به فرهنگ و زبان مبدأ نداشته باشد، مترجم باید هرگاه وجه شبه حذف شده باشد، آن را ذکر کند.

زمانی که در تشبیه وجه شبه ذکر شود، ترجمه آن دشواری کمتری دارد و مترجم می‌تواند براساس وجه شبه، مشبیه به را حفظ کند یا با توجه به فرهنگ مخاطبان مقصد آن را تغییر دهد، اما زمانی که وجه شبه ذکر نمی‌شود به ویژه در تشبیه بلیغ، ممکن است مترجم در فهم وجه شبه دچار خطا شود و روش مناسبی برای انتقال آن انتخاب نکند. همچنین هرگاه تشبیه خلاقانه باشد؛ یعنی مشبیه به در زبان مبدأ کمتر به کار رفته باشد، فهم آن دشوارتر است و ترجمه آن نیز به همان نسبت دشوارتر خواهد بود.

۵- جایگزینی مشبیه به با شرح: مترجم در این حالت، مشبیه به را حذف کرده و به شرح آن بسنده می‌کند. تفاوت روش فوق با روش دوم این است که در این روش، مشبیه به جای خود را به شرح می‌دهد، اما در روش دوم تشبیه نادیده گرفته شده و فقط مفهوم آن بیان می‌شود.

مترجم در ترجمه جمله «بعد از مرگ آیدا زندگی ما مثل بهمن بزرگی از برف در سرایشی دره مرگ فرو می‌غلتید» (معروفی، ۱۳۸۸)، مشبیه به (بهمن بزرگ) را حذف کرده و مفهوم آن را بیان کرده است و می‌گوید: «وبعد موت آیدا غدت حیاتنا تغوص فی مهاوی الثلوج» (معروفی، ۲۰۱۸). در اینجا نیز نقش مسائل فرهنگی پررنگ است و از آنجا که در کشورهای عربی برف زیادی نمی‌بارد و اصولاً سقوط بهمن رخ نمی‌دهد، مترجم واژه‌ای برای آن نیاورده و سعی کرده است با شرح مشبیه به آن را برای مخاطب عرب قابل فهم کند.

۶- حذف تشبیه: در این روش، مترجم ممکن است به هر دلیل اقدام به حذف تشبیه کند و کاملاً آن را نادیده بگیرد. حذف تشبیه می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد؛ یکی از دلایل حذف تشبیه این است که مترجم معادل مناسبی برای آن در زبان مقصد نمی‌یابد یا اینکه احساس می‌کند تشبیه تأثیر زیادی در متن ندارد و حذف آن آسیبی به مفهوم متن نمی‌زند. موسی در ترجمه خود از این روش نیز استفاده کرده است. وی در ترجمه عبارت «مادر استخوانی و ظریف و نازک بود مثل پر کاه» (معروفی، ۱۳۸۸) آورده است: «كانت الأم نحيفة و ظريفة متدفقة» که ترجمه آن می‌شود: «مادر لاغر، ظریف و جاری بود» (معروفی، ۲۰۱۸). مترجم در این جمله به جای ترجمه تشبیه، آن را به طور کلی حذف کرده است. «پر کاه» در فرهنگ فارسی نشانه سبک و نازک بودن است، اما در فرهنگ عربی این معنا را ندارد؛ بنابراین، مترجم از آنجا که معادل مناسبی برای این عبارت نیافته آن را کاملاً حذف کرده است.

نمودار ۱. شماتیک الگوی پیرینی در ترجمه تشبیه



۵. نقد و تکمیل الگوی پیرینی در معادل‌یابی ترجمه

الگوی مدنظر پیرینی نیازمند تکمیل و اضافه کردن روش‌های دیگر به آن است. یکی از روش‌هایی که پیرینی به آن اشاره نکرده، روش افزودن ادات تشبیه است.

یکی از موارد مرتبط با ادات تشبیه، حذف یا وجود آن است. «علمای بلاغت، تشبیه را بر اساس وجود یا حذف تشبیه به دو نوع تقسیم کرده‌اند و تشبیهی که ادات آن حذف شده باشد را مؤکد و تشبیه همراه با ادات تشبیه را مرسل می‌نامند. شفیع‌ی کدکنی معتقد است: تشبیه مؤکد؛ یعنی تشبیهی که ادات آن حذف شده است از نظر ادبی و بلاغی زیباتر است و تأثیر آن بر مخاطب بیشتر است، چون تشبیهی که ادات آن حذف می‌شود به استعاره نزدیک‌تر می‌شود» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۷۲)؛ بنابراین، در روش‌هایی که وجه‌شبهه به تشبیه اضافه می‌شود، زیبایی تشبیه اصلی تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

گاهی تشبیه به کار رفته در زبان مبدأ بدون ادات تشبیه است و مترجم اقدام به افزودن ادات تشبیه می‌کند. برای مثال، ممکن است در زبان فارسی تشبیه «علی شیر است» که از نوع تشبیه بلیغ است در زبان عربی این‌گونه ترجمه شود: «علی مثل الأسد» که در این ترجمه ادات اضافه شده است. این روش گاهی توسط مترجمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین گاهی ممکن است مترجم خواسته یا ناخواسته اقدام به تغییر ادات تشبیه کند. برای مثال در ترجمه تشبیه «انگار از خواب پریده باشد، نشست» (معروفی، ۱۳۸۸)، کلمه «انگار» آمده است که در زبان عربی معادل‌هایی مانند «کأنه» دارد، اما مترجم از این کلمه استفاده نکرده و از «ك» که بسامد بیشتری در تشبیه در زبان عربی دارد، استفاده کرده است؛ یعنی «هبّ جالسا کمن طار فرعا من نومه» (معروفی، ۲۰۱۸). البته باید توجه داشت که یکی از دلایل عدم ارائه این روش توسط پیرینی احتمالاً به خاطر تفاوت تشبیه و استعاره در بلاغت فارسی و انگلیسی است. در بلاغت انگلیسی جمله‌ای مانند «علی شیر است» استعاره شمرده می‌شود، چون در تعریف استعاره در انگلیسی می‌گویند: «تشبیهی که ادات آن حذف شده است» (لارسون، ۱۹۹۸). حال آنکه در بلاغت فارسی این نوع تشبیه، تشبیه بلیغ نامیده می‌شود (شمیسا، ۱۳۷۰).

یک روش دیگر که باید به الگوی پیرینی افزوده شود، روش تعدیل مشبّه‌به در زبان مقصد است. گاهی مترجم در زبان مقصد از همان تشبیه به کار رفته در زبان مبدأ استفاده می‌کند، اما به جای جایگزین کردن مشبّه‌به با مشبّه‌به دیگر با ایجاد تغییراتی در مشبّه‌به، آن را برای مخاطبان متن مقصد روشن تر می‌کند. این تغییر ممکن است با حذف، اضافه کردن یا تغییر یک کلمه رخ دهد. مترجم در ترجمه تشبیه موجود در عبارت «مثل مجسمه خشکی است که در گذشته‌هاش جا مانده است» (معروفی، ۱۳۸۸)، مشبّه‌به را کاملاً تغییر نمی‌دهد و حتی آن را شرح نمی‌دهد، بلکه با کمی تغییر آن را برای مخاطب متن مقصد قابل فهم می‌کند و می‌گوید: «کأنه تمثال متخشب ظل قابعا فی ماضیه» (معروفی، ۲۰۱۸). در این عبارت، مترجم به جای کلمه «خشک» که صفت مجسمه است از کلمه «متخشب» استفاده می‌کند که از ریشه «خشب» به معنای «چوب» است. چون خشک در اینجا به معنای «یابس» نیست، بلکه به معنای بی حرکت است.

همچنین برخی از روش‌های ارائه شده توسط پیرینی با هم همپوشانی دارد. تقلیل تشبیه به مفهوم به نوعی حذف تشبیه است، چون در این روش نیز تشبیه عملاً حذف می‌شود. علاوه بر این، اگر تشبیه و مفهوم آن، هر دو حذف شوند، این مسأله نشان‌دهنده عدم وفاداری مترجم بوده و یک خطا است و یک روش ترجمه به‌شمار نمی‌رود. در پایان این بخش باید گفت که پیرینی در الگوی خود توجهی به نوع تشبیه نداشته است و روش‌هایی که برای ترجمه تشبیه ارائه می‌کند برای همه انواع تشبیه مشترک است و تفاوتی بین تشبیه اضافی، تشبیه بلیغ، تشبیه مؤکد و... قائل نشده است.

۶. ترجمه تشبیه و ملاحظات فرهنگی

توجه به عناصر فرهنگی در ترجمه، سابقه دیرینه‌ای دارد و به نظریه‌های ترجمه در دوران معاصر محدود نمی‌شود. صلح‌جو از یک نوع ترجمه نام می‌برد و آن را ترجمه فرهنگی می‌نامد؛ ترجمه فرهنگی، ترجمه‌ای است که در متن آن عناصری از فرهنگ مقصد اضافه می‌کنند تا برای خواننده فضای مأنوس تر و در نتیجه دلپذیرتر پیدا کند (صلح‌جو، ۱۳۹۴). یکی از نقدهایی که می‌توان به الگوی پیرینی وارد کرد، عدم توجه به ملاحظات فرهنگی در برخی روش‌ها است. برای مثال، در ترجمه تحت‌اللفظی ملاحظات فرهنگی نادیده گرفته می‌شود. «در ترجمه تشبیه باید در نظر داشت که انتخاب مشبّه‌به و وجه‌شبه

ارتباط نزدیکی با فرهنگ دارد و ترجمه تحت‌اللفظی تشبیه در بسیاری موارد نمی‌تواند هدف از تشبیه را نشان دهد» (رملی^۱، ۲۰۱۴). نویسنده در یک بخش از رمان، یکی از شخصیت‌ها را به زنبوری تشبیه می‌کند که «امشی» (حشره گش) خورده است و می‌گوید: «مثل زنبوری که امشی خورده باشد» (معروفی، ۱۳۸۸)، مترجم نیز مشبه‌به (زنبور امشی خورده) را به زبان عربی برمی‌گرداند و می‌گوید: «مثل زنبور تجرع مُبیدا» (معروفی، ۲۰۱۸). «مبید» در زبان عربی به معنای حشره کش است. نکته‌ای که در ترجمه این تشبیه باید مورد توجه قرار گیرد، مسائل فرهنگی است. امشی نوع خاصی از حشره کش است که در سال‌های دور در ایران مورد استفاده قرار می‌گرفته است و به معنای مطلق حشره کش نیست، اما مترجم به جای آن از کلمه «مبید» استفاده کرده که به معنای مطلق حشره کش است.

مترجم در انتقال مسائل فرهنگی در ترجمه تشبیه در همه موارد موفق نبوده، بلکه اشتباهاتی نیز داشته است. برای مثال، در ترجمه تشبیه موجود در عبارت «درست جان کندن یک آدم سگ‌جان را می‌مانست» (معروفی، ۱۳۸۸)؛ «آدم سگ‌جان» را به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کرده است: «کانت تشبیه نزع روح انسان کلبی الروح» (معروفی، ۲۰۱۸). عبارت «کلبی الروح» برای سگ‌جان در زبان عربی مناسب نیست و با مراجعه به فرهنگ لغت‌های معتبر نمی‌توان این واژه را در متون عربی یافت. مترجم برای ترجمه این تشبیه باید مشبه‌به را تغییر می‌داد یا شرحی به آن می‌افزود تا مخاطب متن مقصد هدف از تشبیه را متوجه شود.

جدول ۱. میزان استفاده از هر روش توسط مترجم

درصد	تعداد	روش
۷۱/۸	۲۳	ترجمه تحت‌اللفظی
۱۲/۵	۴	جایگزینی مشبه‌به با مشبه‌به دیگر
۶/۲۵	۲	تقلیل تشبیه به مفهوم
۳/۱۲۵	۱	حفظ مشبه‌به بعلاوه شرح وجه‌شبه
۳/۱۲۵	۱	جایگزینی مشبه‌به با شرح
۳/۱۲۵	۱	حذف تشبیه

بحث و نتیجه‌گیری

مترجم در ترجمه تشبیهات به کار رفته در رمان سمفونی مردگان از هر شش روش معرفی شده توسط پیرینی استفاده کرده است. هر چند از همه این روش‌ها به یک میزان استفاده نکرده است. بیشترین استفاده مترجم از دو روش ترجمه تحت‌اللفظی و جایگزینی مشبّه‌به با مشبّه‌به دیگر بیش از سایر روش‌ها استفاده کرده است.

احمد موسی مترجم این اثر، بیشترین استفاده را از روش ترجمه تحت‌اللفظی و به میزان ۷۱ درصد داشته است. استفاده زیاد مترجم از این روش، نشان‌دهنده نزدیکی فرهنگ گویشوران دو زبان مبدأ و مقصد است که به مترجم اجازه می‌دهد از مشبّه‌به و وجه شبه واحد برای رساندن مفهوم استفاده کند. همچنین استفاده زیاد از این روش می‌تواند نشان‌دهنده گرایش مترجم به بومی‌سازی متن مبدأ باشد.

هر چند مترجم در برخی موارد در استفاده از این روش زیاده‌روی کرده است و مواردی وجود دارد که بهتر بود از روش‌های دیگر مانند جایگزینی مشبّه‌به استفاده می‌کرد.

مترجم در ترجمه تشبیهات موجود در رمان به میزان ۱۲ درصد نیز از روش «جایگزینی مشبّه‌به با مشبّه‌به دیگر» استفاده کرده است؛ این مسأله نشان می‌دهد که او به فرهنگ گویشوران زبان مبدأ و مقصد به حدی تسلط داشته است که توانسته با استفاده از مشبّه‌به‌های متفاوت، مفهوم مدنظر نویسنده رمان را به مخاطبان (کاربران زبان مقصد) منتقل کند. استفاده از این روش نشان‌دهنده مهارت بالای مترجم است و مترجم در چند نمونه نشان داده است که تسلط تقریباً مناسبی بر دو زبان و فرهنگ فارسی و عربی دارد، اما تعداد دفعات استفاده از این روش کمتر از انتظار است و با استفاده بیشتر از این روش، مترجم می‌توانست زیبایی متن فارسی را به مخاطب عرب‌زبان منتقل کند.

مترجم این اثر از سایر روش‌ها به میزان بسیار کمتری استفاده کرده است. میزان استفاده وی از سایر روش‌های پیشنهادی در ترجمه تشبیه به ترتیب عبارت است از: روش «تقلیل تشبیه به مفهوم» ۶ درصد، روش «حفظ مشبّه‌به به علاوه شرح وجه‌شبه» و «جایگزینی مشبّه‌به با شرح» و «حذف تشبیه» هر یک به میزان ۳ درصد.

همچنین مترجم در ترجمه تشبیهات گاهی به مسائل فرهنگی بی‌توجه بوده و به همین دلیل چندین بار از روش‌های نامناسب استفاده کرده است. اگر مترجم در ترجمه این اثر از یک محقق مسلط به فرهنگ و زبان فارسی کمک می‌گرفت، مطمئناً نتیجه کار بهتر می‌شد.

تعارض منافع تعارض منافع ندارم.

ORCID

Habib Keshavarz  <https://orcid.org/0000-0003-3113-8259>

منابع

- اسدی، علیرضا و حسینی، سارا. (۱۳۹۸). کارکرد تشبیه در فضاسازی رمان سمفونی مردگان. *مجله مطالعات زبانی و بلاغی*، (۱۹)، ۱۰، ۵۰-۲۵.
- أنیس، إبراهيم؛ منتصر، عبدالحلیم، الصوالحی، عطیة و أحمد، محمد خلف الله. (۲۰۰۴). *المعجم الوسیط، القاهرة: مكتبة الشروق*.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۲). *صور خیال در شعر فارسی*. چ ۵. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). *بیان*. تهران: فردوس.
- صلح جو، علی. (۱۳۹۴). *از گوشه و کنار ترجمه*. تهران: نشر مرکز.
- محمدداود، محمد. (۲۰۰۳). *معجم التعبیر الاصطلاحی فی العربیة المعاصرة*. القاهرة: دار غریب.
- معروفی، عباس. (۱۳۸۸). *سمفونی مردگان*. تهران: ققنوس.
- _____ . (۲۰۱۸). *سمفونیة الموتی*. ترجمه احمد موسی. میلان: المتوسط.
- هاوکس، ترنس. (۱۳۷۷). *استعاره*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.

References

- Anis, I.; Abdul Halim, M; Atiyah, A. And Muhammad, K. (2004). *Al-Wasit Dictionary*. Cairo: Dar Al-Shorouq Publishing House. [In Persian]
- Asadi, A. R. and Hosseini, S. (2019). The Function of Simile in Creating the Atmosphere of the Novel Symphony of the Dead. *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 10(19). 25-50.
- Hawks, T. (1998). *Metaphor*. Translated by Farzaneh Taheri. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Larson, L.M. (1998). *Meaning-Based Translation*. University Press of America.
- Marofi, A. (2010). *Symphony of the Dead*. Tehran: Qoqnoos. [In Persian]

- _____ . (2018). *Symphony of the Dead*. Translate by Ahmad Mosa. Milan: Almotevaset. [In Persian]
- Mohammad Dawood, M. (2003). *Dictionary of Interpretive Interpretation in Contemporary Arabic*. Cairo: Dar Gharib Publications
- Pierini Patrizia. (2007) *Simile in English: from Description to Translation*. *Circulo de Lingustica Aplicada a la Comunicacion*. 29. 21-43.
- Ramli, W. (2014). *The Translation of Simile in the Hunger Games Novel: Translation Strategies*. E-Proceeding of the Conference on Management and Muamalah. International Islamic College University Selangor.
- Shafiee Kadkani. M.. (1993). *Imagination in Persian Poetry*. Tehran: Agah. [In Persian]
- Shamisa, S. (1991). *Statement*. Tehran: Ferdos. [In Persian]
- Solhjoo, A. (2015). *Translation; Here and There*. Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]

